

روم چشم‌انداز را برقرار می‌سازد . شماره هشت

بنیادهای شن: ردّ حقیقت نبوی در ادونتیسیم لائودیکیه‌ای

Jeff Pippenger

2024-08-18

در مقاله گذشته به سخنان زیر از عیسی اشاره کردیم.

از انبیای کاذب برحذر باشید که در لباس میشان نزد شما می‌آیند، اما در باطن گریان درنده‌اند. آنان را از میوه‌هایشان خواهید شناخت. آیا مردم از خارها انگور می‌چینند، یا از خسک‌ها انجیر؟ همچنین هر درخت نیکو، میوه نیکو می‌آورد؛ اما درخت فاسد، میوه بد می‌آورد. درخت نیکو نمی‌تواند میوه بد بیاورد، و نه درخت فاسد می‌تواند میوه نیکو بیاورد. هر درختی که میوه نیکو نیاورد، بریده و در آتش افکنده می‌شود. پس آنان را از میوه‌هایشان خواهید شناخت. هر که به من گوید: خداوندا، خداوندا، داخل ملکوت آسمان نخواهد شد؛ بلکه آن که اراده پدر مرا که در آسمان است به‌جا آورد. بسیاری در آن روز به من خواهند گفت: خداوندا، خداوندا، آیا به نام تو نبوت نکردیم؟ و به نام تو دیوها را بیرون نراندیم؟ و به نام تو کارهای شگفت بسیار نکردیم؟ و آنگاه آشکارا به ایشان خواهم گفت: هرگز شما را نشناختم؛ از من دور شوید، ای بدکاران. پس هر که این سخنان مرا بشنود و به آن‌ها عمل کند، او را به مردی دانا مانند می‌کنم که خانه خود را بر صخره بنا کرد. و باران بارید، و سیلاب‌ها آمد، و بادهای وزید و بر آن خانه کوبید؛ اما فرو ریخت، زیرا بر صخره بنیاد نهاده شده بود. و هر که این سخنان مرا بشنود و به آن‌ها عمل نکند، به مردی نادان مانند خواهد شد که خانه خود را بر شن بنا کرد. و باران بارید، و سیلاب‌ها آمد، و بادهای وزید و بر آن خانه کوبید؛ و آن فرو ریخت، و سقوطش عظیم بود. متی 7:15-27.

شورش ۱۸۶۳ آغاز آن است که ادونتیسیم روز هفتم لائودیکیه‌ای، بنیانی کاذب بر ریگ بنا کند. ریگ نمایانگر اصل شیطنانی کثرت‌گرایی است، در تقابل با صخره حقیقت مطلق. حقیقت مطلق بر دو شاهد استوار می‌گردد، و حقایقی که بر دو نمودار مقدس حقوق بازنمایی شده‌اند—و ادونتیسیم به تدریج آن‌ها را کنار نهاده است—از کتاب مقدس برگرفته شده و به وسیله روح نبوت تأیید گردیده‌اند. آن حقایق، مطلق‌اند.

«دشمن در پی آن است که اذهان برادران و خواهران ما را از کار آماده ساختن قومی برای ایستادن در این ایام آخر منحرف سازد. مغالطه‌های او بدان منظور طرح شده‌اند که ذهن‌ها را از خطرات و وظایف این ساعت دور کنند. آنان نوری را که مسیح از آسمان آمد تا برای قوم خویش به یوحنا بدهد، کم‌ارزش می‌شمارند. تعلیم می‌دهند که صحنه‌هایی که درست در برابر ما قرار دارند، از آن‌چنان اهمیتی برخوردار نیستند که شایسته توجهی ویژه باشند. حقیقتی را که منشأی آسمانی دارد بی‌اثر می‌سازند، و قوم خدا را از تجربه گذشته‌شان محروم کرده، به جای آن علمی کاذب به ایشان می‌دهند. «خداوند چنین می‌فرماید: بر راه‌ها بایستید و بنگرید، و از راه‌های قدیم بپرسید که راه نیکو کدام است، و در آن سلوک نمایید.» [ارمیا ۶:۱۶].»

«مبادا کسی در پی آن باشد که بنیادهای ایمان ما را برکند — همان بنیادهایی که در آغاز کار ما، با مطالعه دعاآمیز کلام و به واسطه مکاشفه نهاده شد. بر این بنیادها بیش از پنجاه سال است که بنا کرده‌ایم. ممکن است کسانی گمان برند که راهی تازه یافته‌اند، و می‌توانند بنیادی استوارتر از آنچه نهاده شده است بگذارند؛ اما این فریبی عظیم است. ”زیرا هیچ‌کس بنیادی دیگر نمی‌تواند نه‌د، جز آن‌که نهاده شده است.“ [1 Corinthians 3:11]. در گذشته، بسیاری بر آن شدند که ایمانی نو بنا کنند و اصولی تازه برقرار سازند؛ اما بنای آنان چه مدت پابرجا ماند؟ به زودی فرو ریخت، زیرا بر صخره بنا نشده بود.» شهادت‌ها، جلد 8، 296-297.

چونکه 11 ستمبر 2001 آن پهنچا، اسی طرح روح القدس کی بارشیں بھی نازل ہوئیں۔

«باران آخر پاید بر قوم خدا فرو ریزد. فرشته‌ای نیرومند باید از آسمان فرود آید، و تمامی زمین از جلال او منور گردد.» ریویو اند هرالڈ، ۲۱ آوریل ۱۸۹۱.

هنگامی که بناهای عظیم شهر نیویورک با لمسه‌ای از جانب خدا فرو افکنده شدند، باران آخرین آغاز به باریدن کرد. چون یازدهم سپتامبر ۲۰۰۱ فرا رسید، دریچه‌های سیل اصول پایی گشوده شد.

"در این زمان غلبه شرارت، کلیساهای پروتستانی که «چنین می‌گویند خداوند» را رد کرده‌اند، به وضعی شگفت خواهند رسید. آنان به جهان روی خواهند آورد. در جدایی خود از خدا، خواهند کوشید دروغ و ارتداد از خدا را قانون ملت سازند. آنان بر حاکمان سرزمین اثر خواهند گذاشت تا قوانینی وضع کنند که برتری از دست‌رفته مرد گناه را، که در هیکل خدا می‌نشیند و خود را چنان می‌نمایاند که گویی خداست، بازگرداند. اصول کاتولیک رومی تحت حمایت دولت قرار خواهد گرفت. اعتراض حقیقت کتاب مقدسی دیگر از سوی کسانی که شریعت خدا را قاعده زندگی خود نساخته‌اند، تحمل نخواهد شد." ریویو اند هرالڈ، 21 دسامبر 1897.

قانون میهن‌پرستی آغاز حمایت از اصول کلیسای کاتولیک روم را نشان می‌دهد؛ حمایتی که به تدریج به قانون یکشنبه‌ای قریب‌الوقوع منتهی می‌شود. در ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱، چهار بادی که نمایانگر اسلام وای سوم هستند، آغاز به وزیدن کردند.

«فرشتگان چهار باد را نگاه داشته‌اند، که به صورت اسبی خشمگین به تصویر کشیده شده است؛ اسبی که می‌کوشد از بند بگسلد و بر سراسر روی زمین یورش برد و در مسیر خود ویرانی و مرگ به بار آورد.»

«آیا ما بر آستانه همان جهان ابدی به خواب خواهیم رفت؟ آیا ما کرخت و سرد و مرده خواهیم بود؟ آه، کاش در کلیساهای ما روح و نفس خدا در قوم او دمیده شود، تا ایشان بر پای‌های خویش بایستند و زنده گردند. ما نیاز داریم دریابیم که راه تنگ است و دروازه باریک. اما چون از دروازه تنگ می‌گذریم، فراخی آن بی‌حد و حصر است.» Manuscript Releases, جلد 20, 217.

باران، باد و سیل در ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ فرارسید، و کلیسای ادونتیست روز هفتم لائودیکیه آزموده شد، همان‌گونه که یهودیان در هنگام تعمید مسیح آزموده شدند، و همان‌گونه که پروتستان‌ها از ۱۱ اوت ۱۸۴۰ به بعد آزموده گردیدند. از آن نقطه تا پیشگویی سرکشانه ۱۸ ژوئیه ۲۰۲۰، خانه ادونتیست روز هفتم لائودیکیه به تدریج سقوط کرد؛ همان قدر یقینی که پیش از صلیب، معبد یهود متروک اعلام شده بود، و همان‌گونه که پروتستان‌ها در نخستین یاس ۱۹ آوریل ۱۸۴۴ به پروتستانیسم مرتد انتقال یافتند.

سپس جنبش لائودیکیه‌ای فرشته سوم وارد فرایند نهایی آزمون خود شد، و همان‌گونه که در آزمونی که در ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ آغاز گردید، باکره‌ها فراخوانده شدند تا به طریق‌های قدیم بازگردند؛ طریق‌هایی که نه تنها حقایق بنیادین جنبش میلری فرشته اول و دوم بودند، بلکه حقایق بنیادین جنبش فرشته سوم نیز به‌شمار می‌آمدند.

نماد رد آن حقایق بنیادین در زمینه آن گمراهی نیرومند، پیامی است که پولس در دوم تسالونیکیان ثبت کرده است. آن پیام در کتاب دانیال به وسیله «قربانی دائمی» نمادین شده است، زیرا ویلیام میلر در همان بخش از تسالونیکیان به این فهم رسید که «قربانی دائمی» در کتاب دانیال نمایانگر روم بت‌پرست است.

کتاب‌هایی نگاشته شده‌اند که به تعریف «مستمری» در کتاب دانیال می‌پردازند. بیشتر آن‌ها نادرست‌اند؛ هرچند اگر بخواهید مقاله‌ای از یک الهی‌دان ادونتیست را که این موضوع را به درستی

بیان کرده است بررسی کنید، می‌توانید The Mystery of the Daily، نوشته John W. Peters، را ببابید. قصد ندارم در این مقاله به آن جنبه از «مستمری» بپردازم. همچنین کتاب‌های دیگری نیز وجود دارند که تاریخچه «چه کسی، چه چیزی و چرا» را در این باره بررسی می‌کنند که چگونه دیدگاه نادرست درباره «مستمری» سرانجام در ادونتیسم روز هفتم لائودیکیه‌ای تثبیت شد.

تعریف واژه عبری‌ای که به «قربانی دائمی» ترجمه شده است، و تاریخ شورش بر ضد حقیقت بنیادی «قربانی دائمی» که از سال 1901 به‌طور جدی آغاز شد، بارها در «الواح حقوق» و نیز در مقالات اخیر درباره کتاب دانیال بیان شده است.

من قصد دارم در این مقاله تمرکز «قربانی دائمی» را بر ویژگی‌های نبوی مرتبط با نماد رد شدن روم حفظ کنم. هر کسی که صادقانه اقتدار نوشته‌های الن وایت را می‌پذیرد، تنها کافی است مطالب زیر را بخواند تا بداند درک صحیح از «قربانی دائمی» چیست.

«سپس در ارتباط با «قربانی دائمی» دیدم که واژه «قربانی» به وسیله حکمت انسان افزوده شده است و به متن تعلق ندارد؛ و این‌که خداوند دیدگاه درست آن را به کسانی عطا کرد که فریاد ساعت داور را اعلام کردند. هنگامی که اتحاد برقرار بود، پیش از ۱۸۴۴، تقریباً همه بر دیدگاه درست درباره «قربانی دائمی» متحد بودند؛ اما از سال ۱۸۴۴ به بعد، در میان سردرگمی، دیدگاه‌های دیگری پذیرفته شد، و تاریکی و آشفتگی در پی آمد.» 1، Review and Herald، نوامبر 1850.

رد فهم ویلیام میلر ل «المحرقة الدائمة» هو، في الوقت نفسه، رفض لسلطان كتابات إله هوايت، لأنها رأت «أن الرب أعطى الفهم الصحيح لها لأولئك الذين أطلقوا صرخة ساعة الدينونة». وقد أظهر لها أيضاً أن الآراء الأخرى بشأن «المحرقة الدائمة» تنتج «ظلمة وتشويشاً»، وهما ليسا من صفات المسيح. وقد أدرك ميلر أن «المحرقة الدائمة» تشير إلى روما الوثنية حين درس رسالة تسالونيكى الثانية.

«من به خواندن ادامه دادم و هیچ مورد دیگری نیافتم که آن [قربانی دائمی] در آن آمده باشد، جز در دانیال. سپس [با یاری یک فرهنگ تطبیقی کتاب مقدس] آن واژگانی را که با آن در ارتباط بودند برگزفتم: «برداشتن»؛ او قربانی دائمی را بخواهد داشت؛ «از زمانی که قربانی دائمی برداشته شود»، و غیره. به خواندن ادامه دادم و گمان می‌کردم که هیچ نوری بر این متن نخواهم یافت؛ سرانجام به ۲ تسالونیکیان ۷:۸ رسیدم. «زیرا سر بی‌دینی هم‌اکنون در کار است؛ فقط او که اکنون مانع می‌شود، مانع خواهد شد تا زمانی که از میان برداشته شود، و آنگاه آن شریر آشکار خواهد گردید»، و غیره. و چون به آن متن رسیدم، آه، حقیقت چه روشن و جلال‌مند به نظر آمد! اینجاست! این همان قربانی دائمی است! خوب، اکنون، مقصود پولس از «او که اکنون مانع می‌شود» یا باز می‌دارد، چیست؟ از «مرد گناه» و «شریر»، پاپیت مراد است. خوب، آن چیست که مانع آشکار شدن پاپیت می‌شود؟ چرا، آن بت‌پرستی است؛ پس، «قربانی دائمی» باید به معنای بت‌پرستی باشد.» — ویلیام میلر، Second Advent Manual، صفحه 66. Advent Review and Sabbath Herald، 6 ژانویه 1853.

در نهایت، ادونتیسیم لائودیکیه‌ای آن فهم درست را که به میلر و آنان که ندای «ساعت داور» را اعلام کردند عطا شده بود، کنار نهاد و به‌جای آن، تصور نادرست پروتستانتیسم مرتد را پذیرفت که بر اساس آن «قربانی دائمی» نمایانگر خدمت مسیح در قدس است. این برداشت از جهات بسیاری نامعقول است؛ اما افزون بر باطل بودنش، مدعی است که نمادی شیطانی، نماد مسیح است.

«پس، هرچند اژدها در وهله نخست نمایانگر شیطان است، در معنای ثانوی نمادی از روم بت‌پرست نیز هست.» نزاع عظیم، 439.

میلر «قربانی دائمی» را روم بت پرست، یعنی اژدہا، شناسایی کرد؛ اما ادونتیسیم لائودیکیہ ای این اندیشہ را از پروتستانٹیسیم ساقط شدہ اقتباس کرد کہ آن را نمایانگر خدمت مسیح در قدس آسمانی می داند۔ ردّ شناسایی میلر از «قربانی دائمی» بہ عنوان روم بت پرست، بہ منزلہ ردّ حقیقتی است کہ بر ہر دو نمودار مقدس، کہ تحقق باب دوم حقوق بودند، بہ تصویر درآمدہ است۔ بنابرین، این ردّ، ردّ یک حقیقت بنیادین است، همان گونہ کہ ردّ ہفت زمان لایوان بیست و شش نیز چنین بود۔

ردّ حقّ «الذبیحۃ الدائمۃ» نماد روم مشرک است، بہ منزلہ ردّ کردن بنیان ہای ادونتیسیم و اقتدار روح نبوت است۔ معرفّی نمادی از شیطان بہ عنوان نمادی از مسیح، ہم سنگ آن است کہ کار مسیح را کار شیطان معرفّی کنیم۔

«با ردّ کردن مسیح، قوم یهود مرتکب گناہ نابخشودنی شدند؛ و ما نیز با نپذیرفتن دعوت رحمت، ممکن است همان خطا را مرتکب شویم۔ هنگامی کہ از گوش سپردن بہ رسولان منصوب او سر باز می زنیم و بہ جای آن بہ کارگزاران شیطان گوش می سپاریم، کہ می کوشند جان را از مسیح دور سازند، بہ شہریار حیات اہانت می کنیم و او را در برابر کنیسیہ شیطان و در برابر عالم آسمانی بہ ننگ می کشانیم۔ تا زمانی کہ کسی چنین می کند، هیچ امید یا آمرزشی برای او یافت نمی شود، و سرانجام ہرگونہ میل بہ آشتی با خدا را از دست خواہد داد۔» آرزوی اعصار، 324۔

ہنگامی کہ ادونتیسیم لائودیکیہ ای فہم بنیادی «قربانی دائمی» و ہفت زمان را رد کرد، نہ تنها مرجعیت روح نبوت و نیز مبانی را رد نمود، بلکہ کار ویلیام میلر را نیز رد کرد؛ همان کسی کہ فرشتہ جبرائیل و فرشتگان دیگر او را بہ سوی آن دریافت ہا ہدایت کردہ بودند۔

«خداوند فرشتہ خود را فرستاد تا بر دل کشاورزی کہ بہ کتاب مقدس ایمان نداشت اثر گذارد و او را رہبری کند تا نبوت ہا را جست وجو نماید۔ فرشتگان خدا بارہا و بارہا آن برگزیدہ را ملاقات کردند تا ذہن او را ہدایت کنند و نبوت ہایی را کہ ہموارہ برای قوم خدا تاریک ماندہ بود، بر فہم او بکشایند۔ آغاز زنجیرہ حقیقت بہ او دادہ شد، و او ہدایت شد تا پیوندی پس از پیوندی را جست وجو کند، تا آن کہ با شگفتی و تحسین بہ کلام خدا نگریست۔ او در آن جا زنجیرہ ای کامل از حقیقت را دید۔ آن کلام کہ او بی الہام می پنداشت، اکنون با زیبایی و جلالش در برابر دیدگانش گشودہ شد۔ او دید کہ بخشی از کتاب مقدس، بخش دیگر را تفسیر می کند، و هنگامی کہ فہم او از یک آیہ بستہ می ماند، در بخشی دیگر از کلام، آنچه را کہ آن را توضیح می داد می یافت۔ او کلام مقدس خدا را با شادی و با عمیق ترین احترام و ہیبت می نگریست۔» Early Writings, 230۔

«فرشتہ او» تعبیرے است کہ فرشتہ جبرئیل را معین می سازد۔

«فرشتے کے یہ الفاظ، ”میں جبرائیل ہوں، جو خدا کے حضور کھڑا رہتا ہوں،“ ظاہر کرتے ہیں کہ وہ آسمانی درباروں میں نہایت بلند عزت و مرتبہ رکھتا ہے۔ جب وہ دانی ایل کے پاس ایک پیغام لے کر آیا تو اُس نے کہا، ”اِن باتوں میں میرے ساتھ دینے والا کوئی نہیں، سوائے میکائیل [مسیح] تمہارے امیر کے۔“ دانی ایل 10:21۔ جبرائیل کے بارے میں نجات دہندہ مکاشفہ میں فرماتا ہے کہ ”اُس نے اپنے فرشتے کے وسیلہ سے اپنے بندہ یوحنا پر ایسے ظاہر کر کے بھیجا۔“ مکاشفہ 1:1۔ The Desire of

Ages, 99

تشخیص ایک شیطانی علامت کو مسیح کی علامت قرار دینا نہ صرف ناقابل معافی گناہ کے مماثل ہے، بلکہ ناقابل معافی گناہ کا تعلق اُن قاصدوں کے ردّ سے بھی ہے جنہیں مسیح بھیجتا ہے۔ پس ”روزانہ“ ناقابل معافی گناہ کی علامت بن جاتا ہے، اور جب یہ سمجھا جائے کہ ”برگزیدہ شخص“، ولیم ملر، کو اُس سچائی کی درست فہم تک رہنمائی دی گئی تھی، اور بعد ازاں اسے ردّ کر دیا گیا، تو یہ براہ راست دوم تہسلنیکویوں میں جا ٹھہرتا ہے، جو بعینہ وہی مقام کلامے جہاں ملر نے اپنی دریافت کی تھی۔ اُس سچائی کو ردّ کرنا اس بات کا ثبوت ہے کہ سچائی سے محبت نہیں کی گئی، اور وہ بغاوت

روح القدس کے اٹھا لیے جانے اور شیطان کی ناپاک روح کے حوالہ کیے جانے پر منتج ہوتی ہے، جسے پولس سخت گمراہی قرار دیتا ہے۔

چنان کہ «دزدان قوم تو» کہ «رؤیا را برقرار می سازند»، نمادی از روم بت پرست هستند، «قربانی دائمی» نیز نمادی از روم بت پرست است. در زمینه دوم تسالونیکیان، پولس تعلیم می دهد کہ رد پیام باب دوم، گواه آن است کہ کسانی کہ چنین می کنند، حقیقت را محبت نمی دارند. چون حقیقتی را کہ در آن باب نمایان شده است محبت نمی دارند، به ایشان ضلالتی شدید داده می شود.

تمام انبیا ایام آخر سے خطاب کر رہے ہیں، اور اس مضمون میں پیش کیے گئے سابقہ الہامی اقتباسات اس کی نشان دہی کرتے ہیں کہ روح القدس کے انڈیلے جانے کے دوران سخت گمراہی اُن لوگوں پر آ پہنچتی ہے جو حق سے محبت نہیں رکھتے۔ ایک گروہ تیل حاصل کر رہا ہے، اور دوسرا گروہ سخت گمراہی حاصل کر رہا ہے۔

روح القدس در خلال آن تاریخ فرو ریخته می شود، همان زمانی کہ روح القدس از کسانی کہ افزایش معرفتی را کہ در طی دو دوره آزمون زمان مهر، از ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ تا قانون یکشنبه ای کہ به زودی خواهد آمد، گشوده می شود رد می کنند، بازپس گرفته می شود. با تکرار عبارتی پیشین:

”با نظر به ایام آخر، همان قدرت لایتناهی درباره کسانی کہ «محبت راستی را نپذیرفتند تا نجات یابند» اعلام می دارد: «و از این جهت خدا عمل گمراہی را برای ایشان خواهد فرستاد تا دروغ را باور کنند؛ تا همه آنان کہ به راستی ایمان نیاوردند، بلکه از ناراستی خشنود شدند، محکوم گردند.» چون تعالیم کلام او را رد می کنند، خدا روح خود را باز می گیرد و ایشان را به فریب های کہ دوست می دارند وا می گذارد.” Early Writings, 46.

سطراً علی سطر، یعلم دانیال آنہ فی الأيام الأخيرة، فإن عصاة شعبك، (وهو رمز لروما) هم الذين يثبتون الرؤيا. كما يمثل العصاة أيضاً بـ«المحرقة الدائمة». ويعلم سليمان أنه في الأيام الأخيرة، فإن الذين ليست لهم الرؤيا يهلكون، أي يكونون عراة. وأن يجعل الإنسان عرياناً هو أن يكون لاودكياً، واللاودكي هو عذراء جاهلة.

»وضعیت کلیسا کہ به وسیلہ باکرہ گان جاہل نمایانده شده است، همچنان به عنوان وضعیت لائودیکہ نیز بیان شده است.» 19 Review and Herald، اوت 1890.

احمق باکرہ ہونا، جب نصف شب کی پکار کا پیغام پہنچے، اس بات کا اظہار ہے جسے یوحنا مکاشفہ باب سولہ میں یوں قلمبند کرتا ہے: ”تیری برہنگی کی شرم۔“ چھٹی آفت میں یوحنا کا انتباہ اڑدیا، حیوان اور جھوٹے نبی کے سہ گانہ اتحاد کے تعلق سے ہے، جو 1989 سے دنیا کو آرمجدون کی طرف لے جانے کے عمل میں ہیں۔

پیام پولس در دوم تسالونیکیان صرفاً درباره این نیست کہ دانیال روم بت پرست را به صورت «قربانی دائمی» معرفی کرده است، بلکه این فصل بر رابطہ روم بت پرست با روم پاپی تأکید می ورزد. روم بت پرست از بر تخت زمین نشستن مرد گناه در سال ۵۳۸ جلوسگیری می کرد (بازمی داشت). هنگامی کہ روم بت پرست از میان برداشته شد، آنگاه «سر عصیان»، «آن شریر» کہ همان پاپ روم است، آشکار می گردد. پولس در این فصل در حال شناسایی یک رابطہ نبوی مشخص میان روم بت پرست و روم پاپی است. رد کردن تعلیم این فصل، رد کردن حقیقت و پذیرفتن ضلالت قوی است.

کسی شما را به هیچ وجه فریب ندهد؛ زیرا آن روز نخواهد آمد مگر آنکہ نخست ارتداد واقع شود و آن مرد گناه، آن پسر ہلاکت، آشکار گردد؛ همان کہ مخالفت می ورزد و خود را برتر از ہر آنچہ خدا خوانده می شود یا پرستش می گردد، برمی افرازد؛ تا آنجا کہ همچون خدا در معبد خدا می نشیند و خویشتن را می نمایاند کہ خداست. آیا به یاد ندارید کہ هنگامی کہ هنوز با شما بودم، این امور را

به شما می‌گفتم؟ و اکنون آنچه را باز می‌دارد می‌دانید، تا او در زمان خود آشکار شود. زیرا سر بی‌دینی هم‌اکنون در کار است؛ فقط آن که اکنون مانع است، همچنان مانع خواهد بود تا از میان برداشته شود. و آنگاه آن شریر آشکار خواهد شد، که خداوند او را به نفس دهان خود هلاک خواهد ساخت و به ظهور آمدن خویش نابود خواهد کرد؛ همان که آمدنش بر وفق عمل شیطان است، با هر گونه قدرت و آیات و عجایب دروغین، و با هر گونه فریب ناراستی در آنان که هلاک می‌شوند؛ زیرا محبت حقیقت را نپذیرفتند تا نجات یابند. و از این رو خدا برای ایشان گمراهی نیرومندی می‌فرستد تا دروغ را باور کنند؛ تا همه آنان که به حقیقت ایمان نیاوردند، بلکه از ناراستی خشنود شدند، محکوم گردند. 2 تسالونیکیان 2:3-12.

“为什么他们会‘强烈的迷惑’？为什么他们会被交付于‘定罪’为什么这些末世之人要被而本章所陈明的真理表；这是因为他们不爱真理，从而显露出自己赤身的羞耻？经文指出‘亡登，预言中的第五国’圣经（即，必拦阻教皇罗马——预言中的第四国）圣经——‘明：异教罗马直到异教被除去，上王位’

رابطه میان روم بت‌پرست و روم پاپی که در این فصل مشخص شده است، از سوی یوحنا نیز با رابطه کلیسای پرغامس و کلیسای طیاتیرا مشخص گردیده است. پرغامس با روم بت‌پرست منطبق است و طیاتیرا روم پاپی است. پولس و یوحنا، همانند کتاب دانیال، دو شاهد بر رابطه این دو قدرت فراهم می‌آورند.

در کتاب دانیال، رابطه روم بت‌پرست با روم پاپی بارها مطرح شده است. در دانیال دو، این رابطه با آمیختگی آهن با گل رس نشان داده می‌شود. در دانیال هفت، هم روم بت‌پرست و هم روم پاپی پادشاهی‌های «متفاوت» هستند، و هرچند دانیال دو این دو قدرت را به صورت آمیزه‌ای به تصویر می‌کشد، باب هفت تصریح می‌کند که قدرت پاپی از پادشاهی ده‌شاخه روم بت‌پرست بیرون می‌آید. در دانیال هشت، شاخ کوچک آیات نه تا دوازده، روم را در هر دو مرحله آن نشان می‌دهد. آیات نه و یازده، شاخ کوچک را در صیغه مذکر بیان می‌کنند و بدین‌سان روم بت‌پرست را مشخص می‌سازند، و آیات ده و دوازده، شاخ کوچک را در صیغه مؤنث بیان می‌کنند و بدین‌سان روم پاپی را مشخص می‌سازند.

در دانیال، باب هشت، آیه سیزده، روم بت‌پرست و روم پاپی به صورت دو قدرت ویرانگر به تصویر کشیده شده‌اند. روم بت‌پرست «قربانی دائمی» است، یعنی قدرت ویرانگر دائمی، و روم پاپی قدرت ویرانگر ناشی از تعدی است. در باب یازدهم، آیه سی‌ویک، قدرت ویرانگر «قربانی دائمی» یعنی روم بت‌پرست، آن مکروه ویرانگر را برقرار می‌سازد که همان قدرت پاپی است. در باب دوازدهم، آیه یازده، قدرت ویرانگر «قربانی دائمی» یعنی روم بت‌پرست، برداشته می‌شود تا قدرت مکروه ویرانگر پاپیت برپا گردد.

رابطه دو قدرت ویرانگر روم، یکی از مضامین اصلی کتاب‌های دانیال و مکاشفه است، و همین رابطه است که پولس آن را آن حقیقتی معرفی می‌کند که اگر کسی بخواهد از آن گمراهی شدید که از باور کردن دروغ پدید می‌آید، دوری جوید، باید آن را محبت نماید. خدا هرگز سخن زائد و تکراری نمی‌گوید، و هر بازنمایی از رابطه روم بت‌پرست با روم پاپی، شهادت ویژه خود را درباره این موضوع ارائه می‌کند؛ اما رد کردن نماد روم در ایام آخر، به منزله رد کردن باران آخر و پذیرفتن گمراهی شدید به جای آن است. و این یعنی برای همیشه به عنوان لائودیکیه‌ای برهنه شناخته شدن.

مورخان ادونتیست لائودیکیه، هرچند هیچ حرمت مقدسی نسبت به نقش و کار ویلیام میلر نشان نمی‌دهند، با این حال تصدیق می‌کنند که این تشخیص او از رابطه روم بت‌پرست و روم پاپی بود که ساختار نبوی‌ای را تشکیل می‌داد که او «تمام» تطبیقات نبوی خویش را بر آن بنا کرد. جبرئیل و دیگر

فرشتگان، میلر را هدایت کردند تا رابطه روم بت پرست و روم پاپی را درک کند، اما او در تاریخ نگاری خود، روم را به عنوان موجودیتی سه گانه، متشکل از اژدها، وحش و نبی کاذب، ندید.

در زمان او، ایالات متحده هنوز نقش خود را به عنوان نبی کاذب آغاز نکرده بود، زیرا پروتستان های ایالات متحده تا سال ۱۸۴۴ به دختران روم بدل نشدند، و کار بنیادین میلر پیشاپیش بر روی نمودار ۱۸۴۳ که در ماه مه ۱۸۴۲ تهیه شد، قرار داده شده بود.

در سال ۱۹۸۹، شش آیه پایانی فصل یازدهم دانیال مهرگشایی شد، و پیام آور آن دوره زمانی دریافت که سه قدرت وجود دارند که فعالیت های نبوی ایشان در آیات چهل تا چهل و پنج فصل یازدهم امتداد می یابد. پادشاه جنوب در آیه چهل همان قدرت اژدهاست؛ پادشاه شمال همان قدرت پاپی است که در آغاز آیه، در سال ۱۷۹۸، به دست قدرت اژدهایی فرانسه ناپلئونی، زخم مهلک خود را دریافت کرده بود. در این آیه، قدرت پاپی کار التیام زخم مهلک خود را آغاز می کند. در سال ۱۹۸۹، پادشاه شمال علیه قدرت اژدهایی اتحاد جماهیر شوروی، که در آن زمان پادشاه جنوب شده بود، تلافی می کند. هنگامی که وحش کاتولیسیم علیه اتحاد جماهیر شوروی تلافی کرد، با سپاه نیابتی ایالات متحده آمد، یعنی همان نبی کاذب مکاشفه فصل شانزدهم. پادشاه اژدهایی جنوب، پادشاه وحش گونه شمال، و نبی کاذب اربابه ها و سواران و کشتی ها، همگی در آیه چهل به تصویر کشیده شده اند، و خط نبوی در آیه چهل و پنج پایان می یابد، آنگاه که قدرت پاپی «به پایان خود می رسد و یآوری نخواهد داشت.»

آرم aged، در مکاشفه شانزده، ناحیه ای جغرافیایی نمادین است که شورش بشریت را که پیش از بازگشت مسیح رخ می دهد، مشخص می سازد. آرم aged نمادی است؛ این واژه از دو جزء ساخته شده است: «Har» به معنای کوه، و «Megiddo» که همان دره یزرعیل است. این واقعیت که یوحنا «کوه» را با «میگیدو» ترکیب کرده است، در حالی که میگوید یک دره است، به دانشجوی نبوت می فهماند که آرم aged نمادی است که دربردارنده ارجاعی جغرافیایی است، زیرا در دره یزرعیل هیچ کوهی وجود ندارد.

وادی یزرعیل در میان سه دریا (دریای مدیترانه، دریای جلیل، و دریای مرده) و اورشلیم واقع شده است. این وادی نسبتاً در مرکز شمال اسرائیل قرار دارد، به گونه ای که این سه پهنه آبی و اورشلیم در جهات مختلف پیرامون آن قرار گرفته اند. آیه چهل و پنج دانیال یازده همان جاست که پادشاه شمال به پایان خود می رسد و کسی برای یاری او نخواهد بود، و این آیه پایان جغرافیایی او را میان دریاها و کوه مقدس جلیل اورشلیم مشخص می سازد. آیه چهل دانیال یازده سه قدرتی را معرفی می کند که موضوع شفای زخم مهلک قدرت پاپی و فرجام نهایی آن هستند.

عبارت نخست این آیات، زمان پایان را در سال ۱۷۹۸ مشخص می سازد، آنگاه که پاپیت زخم مهلک خود را دریافت کرد؛ و آیه چهل و پنج زخم مهلک دائمی آن را مشخص می کند. تاریخ نبوی میان نخستین و آخرین مرگ قدرت پاپی، عصیان نوع بشر را آشکار می سازد، آنگاه که آنان برتری و سیادت قدرت پاپی را باز می گردانند، زمانی که زخم مهلک آن پیش از نابودی نهایی قدرت پاپی التیام می یابد. این شش آیه مهر حقیقت را بر خود دارند، زیرا آغاز و انجام، هر دو، مرگ قدرت پاپی است، و آیات میانی، عصیان نوع بشر است، آنگاه که نخستین زخم مهلک التیام می یابد.

به میلر از سوی فرشتگان آسمانی درباره رابطه روم بت پرست و روم پاپی نور داده شد. کلید فهم میلر از الگوی نبوی، که او آن را در همه کاربردهای نبوی خود به کار برد، «مستمر» در دوم تسالونیکیان بود. «مستمر» در آن فصل، روم بت پرست است، و همین بود که رؤیایی را که ویلیام میلر بدان دست یافت، برقرار ساخت؛ زیرا این روم است، یعنی غارتگران قوم تو در آیه چهارده از فصل یازدهم، که رؤیا را برقرار می سازد.

پیام‌آوری که برای درک افزایش معرفت در سال 1989 برانگیخته شد، به درک ماهیت سه‌گانه روم نائل آمد. میلر پیام‌آور فرشته اول و دوم بود، و او نخستین و دومین تجلیات روم را درک کرد تا رؤیایی را که به جهان عرضه نمود، استوار سازد. پیام‌آور فرشته سوم به درک هر سه تجلی روم رسید تا رؤیایی را که به او سپرده شده بود تا به جهان اعلام کند، استوار سازد.

نخستین تجلی روم، روم بت‌پرست بود. از روم بت‌پرست، روم پاپی، یعنی دومین تجلی، پدید آمد. از دو تجلی نخست، روم مدرن پدید آمد؛ همان اتحاد سه‌گانه اژدها، وحش و نبی کذاب.

ما در مقاله بعدی، مسیر مناقشه «قربانی دائمی» را در تاریخ ادونت‌یست ادامه خواهیم داد.

«آن‌که به زیر سطح می‌نگرد و دل‌های همه آدمیان را می‌خواند، درباره کسانی که از نور عظیم برخوردار بوده‌اند، می‌گوید: "از وضع اخلاقی و روحانی خویش متالم و مبهوت نیستند." آری، راه‌های خود را برگزیده‌اند، و جان ایشان از مکروهاتشان لذت می‌برد. «من نیز اوهام ایشان را برخوادم گزید، و آنچه از آن می‌ترسند بر ایشان خواهم آورد؛ زیرا چون خواندم، هیچ‌کس پاسخ نداد؛ چون سخن گفتم، نشنیدند؛ بلکه آنچه را در نظر من بد بود به‌جا آوردند، و آنچه را که من از آن خشنود نبودم برگزیدند.» «خدا ایشان را به گمراهی نیرومند خواهد سپرد تا دروغ را باور کنند»، زیرا «محبت راستی را نپذیرفتند تا نجات یابند»، «بلکه از ناراستی لذت بردند.» اشعیا 3: 66، 4؛ 2 تسالونیکیان 2: 11، 10، 12.

آموزگار آسمانی پرسید: «چه فریبی نیرومندتر از این می‌تواند ذهن را بفریبد که وانمود شود شما بر بنیاد درست بنا می‌کنید و خدا اعمال شما را می‌پذیرد، حال آنکه در واقع، در بسیاری امور بر وفق سیاست دنیوی عمل می‌کنید و علیه یهوه گناه می‌ورزید؟ آه، این فریبی عظیم است، ضلالتی افسونگر، که بر اذهان چیره می‌شود هنگامی که کسانی که زمانی حقیقت را شناخته‌اند، صورت دینداری را با روح و قوت آن اشتباه می‌گیرند؛ هنگامی که گمان می‌برند دولتمندند و بر دارایی خود افزوده‌اند و به هیچ چیز محتاج نیستند، در حالی که در حقیقت به همه چیز محتاج‌اند.»

«خدا نسبت به خادمان امین خود که جامه‌های خویش را بی‌لکه نگاه می‌دارند، تغییری نکرده است. اما بسیاری فریاد برمی‌آورند: «سلامتی و امنیت»، حال آنکه هلاکتی ناگهانی بر ایشان فرود می‌آید. مگر آنکه توبه‌ای کامل پدید آید، مگر آنکه مردمان دل‌های خویش را با اعتراف فروتن سازند و حقیقت را چنان‌که در عیسی است بپذیرند، هرگز به آسمان داخل نخواهند شد. هنگامی که تطهیر در میان صفوف ما به وقوع پیوندد، دیگر آسوده نخواهیم نشست و فخر نخواهیم کرد که دولتمندیم و بر مال و مکنت افزوده‌ایم و به هیچ چیز محتاج نیستیم.»

«چه کسی می‌تواند به راستی بگوید: "طلای ما در آتش آزموده شده است؛ و جامه‌های ما از آلودگی جهان بی‌لکه است؟" دیدم که آموزگار ما به جامه‌های به اصطلاح پارسایی اشاره می‌کرد. آن‌ها را از تن برکنند و آلودگی نهفته در زیر آن‌ها را آشکار ساخت. سپس به من گفت: "آیا نمی‌بینی که چگونه به‌گونه‌ای رپاکارانه آلودگی خود و فساد منش خویش را پوشانیده‌اند؟ چگونه شهر امین زانیه شده است! خانه پدر من خانه تجارت گردیده است، مکانی که حضور و جلال الهی از آن رخت بریسته است! از این رو ضعف پدید آمده است، و قوت مفقود است."» شهادت‌ها، جلد ۸، ۲۴۹، ۲۵۰.